

در گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین حمیدرضا مظاهری سیف مطرح شد

جریان شناسی معنویت‌های نوظهور

محمد امیر خوش صحبتان

بحثی که از آن با عنوان عرفان‌های جدید، یا معنویت‌های نوظهور یاد می‌شود در چند سال اخیر مباحث بسیاری را پیرامون خود به وجود آورده، به طوری که رفته رفته این موضوع به مساله فکری دارای پایگاه اجتماعی تبدیل شده است. در همین راستا با حجت‌الاسلام والمسلمین حمیدرضا مظاهری سیف، نویسنده کتاب «جریان شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور» به گفت‌وگو نشستیم تا ابعاد و گستره فکری این نوع عرفان‌های نوظهور را مورد بررسی و واکاوی بیشتری قرار دهیم. اینک متن گفت‌وگو از نظر تان می‌گذرد.

درباره منبع بود. حال در این منبع، روش برداشت از آن چه تاثیری در رویکردهای عرفانی خواهد داشت؟
حجت‌الاسلام مظاهری سیف: اگر منبع درست باشد، بحث روش مطرح می‌شود.

روش اجزاء مختلفی دارد. در روش استفاده از منابع دینی، عناصر متعددی هست که در بعضی از این جریان‌ها تعدادی از این عناصر اشکال دارد و در بعضی همه شان اشکال دارد. روش، شامل عناصری است. اول این که خود باید زبان منبع را بلد باشد و بتواند ارتباط برقرار کند. این خیلی طبیعی است. من اگر بخوام بروم سراغ یک منبع انگلیسی، بدون این که انگلیسی بلد باشم قاعدتاً نمی‌توانم درست استفاده کنم. دوم این که، با روح و محتوای منبع، انس داشته باشد. ممکن است شما یک جمله‌ای از اینها بشنوید بعد بگویید این مظاهری که من می‌شناسم این را زده است شما آن را نمی‌بینید هر دو در کنار هم این معنی را می‌دهد، یا قبلاً یک چیز دیگری گفته بوده است، این در کنار آن معنی‌اش کامل می‌شود. این که ما هویت منابع دینی، قرآن و احادیث را بشناسیم و بتوانیم ارتباط درست و صحیح برقرار کنیم بعد از آشنایی با زبان منبع مطرح می‌شود مثلاً علامه طباطبایی^(ع) می‌فرمودند که مثلاً ما ۱۶ هزار حدیث با حذف تکراری‌ها داریم. لکن اگر این ۱۶ هزار حدیث را کسی همه‌اش را ندیده باشد نمی‌تواند درست تفسیر کند، باید همه آنها را دیده باشد و یک نگاه کلی داشته باشد در چنین شرایطی می‌تواند بفهمد که مثلاً در مورد زکات که چه احادیثی داریم،

کیهان فرهنگی: باتوجه به بحث‌های مطرح شده درباره معنویت‌های نوظهور و تبعات مربوط به آن، به نظر می‌رسد در وهله اول نیاز به تعریفی از این پدیده ضروری باشد. در این رابطه، آیا می‌توان تعریفی از این پدیده ارائه کرد یا خیر؟

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: تعریف عرفان‌های نوظهور کار ساده‌ای نیست به طور خلاصه می‌توانم بگویم که نتیجه تأملات انجام شده و تحقیق و پژوهش‌های بررسی شده جریان‌ها، ایده‌ها و افکاری که به منظور پاسخگویی به نیازهای معنوی انسان می‌آیند، متکی به منابع درست دینی نیستند. منابع معتبر معرفتی- معنوی ندارند. حالا یا اساساً منبع ندارند، مثل بعضی از جریان‌های عرفانی سرخپوستی و یا عرفان‌های بودایی، اینها منبع وحیانی ندارند. یا این که، این منبعشان

مغشوش است، مثل جنبش‌های معنوی و عرفانی که از دل مسیحیت و یهودیت بیرون آمده، یا این که، اگر هم به منبع درستی می‌خواهند تکیه کنند شیوه استفاده و بهره برداریشان خراب است، یعنی روش و ابزار استفاده از منابع فاسد است. یک سری جریان‌های عرفانی که فکر می‌کنند از قرآن استفاده می‌کنند ولی در عمل شیوه بهره برداری به گونه‌ای است که قرآن را تحریف معنوی می‌کنند و بسیاری از عرفان‌ها و جنبش‌های معنوی که در فضای تفکر اسلامی الآن به وجود آمده و در جامعه ما شکل می‌گیرد با این مشکل مواجهند یعنی منبع را دارند، اما نمی‌توانند به آن تکیه کرده، و از آن درست استفاده کنند، روششان اشکال دارد این به طور خلاصه چارچوبی است در مورد عرفان‌های نوظهور.

کیهان فرهنگی: بحثی که فرمودید

یک سری جریانات عرفانی که فکر می‌کنند از قرآن استفاده می‌کنند ولی در عمل شیوه بهره برداری به گونه‌ای است که قرآن را تحریف معنوی می‌کنند و بسیاری از عرفان‌ها و جنبش‌های معنوی که در فضای تفکر اسلامی الآن به وجود آمده و در جامعه ما شکل می‌گیرد با این مشکل مواجهند یعنی منبع را دارند، اما نمی‌توانند به آن تکیه کرده، و از آن درست استفاده کنند

برداشت‌های متعددی ارائه می‌دهند. بعضاً که با آنها صحبت می‌کنیم ممکن است خودشان را خیلی هم متدین نشان دهند و طوری وانمود کنند که با این تئوری‌های تکثرگرایی و پلورالیسم دینی مخالف اند، اما در عمل دارند طبق همان مبانی حرکت می‌کنند.

کیهان فرهنگی: وجه تمایز این عرفانی که ما الان به عنوان عرفان‌های کاذب یا عرفان‌های نوظهور از آن نام می‌بریم با عرفان حقیقی که منبعث از آیات قرآن در روایات است، چیست؟

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: اهل بیت دو ویژگی داشتند.

یکی، ولایت سیاسی و اجتماعی‌شان بود که زمام امور مسلمین بعد از رحلت پیامبر بدانها سپرده شد. دومی ولایت علمی و معنوی‌شان بود که هر کس با اینها مواجه می‌شد در جذب علم و معنویت این بزرگواران قرار می‌گرفت. بنابراین یک مقام قدرت علمی و پاسخ‌گویی و احتجاجات بود که برخاسته از آن افق بلند معنوی آنها به شمار می‌رفت و با همین روح معنوی بود که مردم را جذب می‌کردند. جریان مقابل اهل بیت به هر دوی این ولایت‌ها و مقام‌ها طمع کردند. اول آن ولایت سیاسی اجتماعی را خواستند غصب کنند که کردند، بعد دیدند این طور که مشکل حل نمی‌شود، زیرا آنها هنوز در قلب‌ها جا دارند و هنوز مردم به اینها توجه دارند. برای آن هم نقشه کشیدند که اگر نمی‌توانند به یک چنین سطحی دست پیدا کنند حداقل بتوانند

رقیبی برای این قدرت علمی و معنوی ایجاد کنند. از همان جا، افرادی مثل سفیان ثوری و دیگران پدید آمدند و یک جریان، عرفان کاذب در فضای تفکر اسلامی به وجود آوردند. از طرف دیگر، اهل بیت با آن جذابیت معنوی‌شان افرادی را فرامی‌خواندند و به سمت خودشان جذب می‌کردند و آنها اصحاب سرّ اهل بیت می‌شدند، رازهای معنوی به آنها سپرده می‌شد و سینه به سینه به آنها منتقل می‌شد. آن جریان درست معنوی هم سینه به سینه برای کسانی که صلاحیتش را داشتند و آمادگی دریافت آن را داشتند ارائه می‌شد. اما آن جریان انحرافی معرکه گیرانه و با بازار گرمی و ریاکاری به حیات خود ادامه می‌داد. مصداق بارز آن، سفیان ثوری است که آن مواجهه را با امام صادق (ع) داشت که معروف است. این دو جریان با همدیگر پیش آمدند و تا امروز هم هستند یعنی ما یک عرفان حقیقی داریم که از طریق اهل بیت و در سینه اولیاءالله است و به اهلش منتقل می‌شود یک جریان ریاکارانه عرفان هم داریم که زهدفروشی و عبادت‌نمایی و از این جور داستان‌ها در آن دیده می‌شود. الان در عرفان‌های جدید یک تفاوتی به وجود آمده است که اتفاقاً آن تصوف سنتی ما هم

و به چه نحوی باید برداشت شود، تا به نتیجه مطلوب رسید. لذا این آشنایی با کل آن منبع و هویت آن منبع هم، موضوعیت دارد. الان ما می‌بینیم بعضی‌ها از قرآن، تفسیر ارائه می‌دهند و حتی می‌بینیم برخی مدعی رمزگشایی از آیات قرآن هستند، در حالی که آیه را بلد نیستند بخوانند، زیر و زبر آیه، تلفظ آیه و کلمه را غلط می‌خوانند یک کلمه را کلاً به آن اضافه می‌کنند یا از آن کم می‌کنند، این حالا می‌آید مدعی می‌شود که عرفان را دارد از قرآن در می‌آورد و رمزگشایی می‌کند. اسرار مربوط به متون قرآن را می‌خواهد به ما آموزش دهد. در گام بعدی، ما به بعضی از افراد دیگر برمی‌خوریم که می‌آیند آیات را تقطیع می‌کنند. ما چند هزار آیه در قرآن داریم. اینها سر و ته آیات قرآن را می‌زنند، می‌گذارند کنار هم و بعد شروع می‌کنند از آنها نتیجه‌گیری کردن. و



نتایجی می‌گیرند که اصلاً قابل اعتماد نیست. بیشتر به شعر می‌ماند. انگار که تخیلی است. یک چیزهایی را به هم ربط می‌دهند که در فضای شعر و تخیلات شاعرانه خیلی زیباست ولی اگر این بخواهد به عنوان معرفت دینی عرضه شود، گمراه کننده و فاسد است.

بنابراین، شیوه استفاده از این منبع هم برای خودش به عنوان مرحله مهم است، یعنی بعد از این که کسی که زبان قرآن را بلد بود، با روح و پیام و منبع هم آشنا بود و مبانی‌اش را می‌شناخت در مرحله بعدی، بحث شیوه عملی استفاده از قرآن است. در این جا علم اصول و روش‌های تفسیر و... در این زمینه به ما کمک می‌کند که چگونه می‌توان از یک آیه‌ای، ظهورش را فهمید، احتمالاتش را چگونه می‌توان وارد کرد. در واقع این‌ها همه روش مند است. یعنی یک ویژگی که اسلام دارد این است. به خاطر وجود یک منبع وحیانی به دور از تحریف، در طول زمان به روش بسیار تکاملی برای بهره‌برداری از این منبع دست پیدا کرده ایم. این موضوعی است که متأسفانه افرادی که از راه می‌رسند و علاقه مندند با هر قصدی می‌آیند شروع می‌کنند بدون تسلط بر روش‌های فهم دین. شروع می‌کنند به تفسیر دین و

اهل بیت دو ویژگی داشتند. یکی، ولایت سیاسی و اجتماعی‌شان بود که زمام امور مسلمین بعد از رحلت پیامبر بدانها سپرده شد. دومی ولایت علمی و معنوی‌شان بود که هر کس با اینها مواجه می‌شد در جذب علم و معنویت این بزرگواران قرار می‌گرفت.

اید که فهمیدید او انسان کاملی است. خصلت ها و ویژگی هایی از او نقل شده است که هر کس این ویژگی را داشته باشد، آدم متعالی و فوق العاده ای است.

کیهان فرهنگی: یک سری قوای غیر طبیعی مربوط به قوت نفس وجود دارد و فرق نمی کند طرف مسلمان باشد، مسیحی باشد، هندی باشد یا ... یعنی یک انسان با ریاضت به نوعی قدرت فوق العاده در نفس خود دست می یابد. این امور را چگونه می توان توجیه کرد؟

حجت الاسلام مظاهری سیف: خیلی از اینها کاملاً طبیعی است. بسیاری از امور برای ما ناشناخته مانده است تا الآن. حالا یکی به آن رسیده است. یا عده ای به آن رسیده اند و دارند از آن استفاده می کنند، بعضی هایش ممکن است مشهود باشد. از همین نیروهای طبیعی خیلی هایشان دارند استفاده می کنند. یعنی طرف دارد می آید انرژی منتقل می کند. خوب این کار کاملاً طبیعی است.

خیلی هایشان اصلاً قوای نفسانی قوی هم ندارند. ممکن است بعضی هایشان هم یک همچنین شکلی باشند اما اکثراً در چارچوب قواعد طبیعی اند.

کیهان فرهنگی: حالا اگر قوه نفسانی بعضی از اینها قوی باشد آیا این دلیل بر حقانیت نمی تواند باشد؟

حجت الاسلام مظاهری سیف: بله. ما الآن داریم آدم ها را می بینیم اینها اصلاً خیلی هایشان اهل قوای نفسانی نیستند، یعنی کاملاً دارند از نیروهای طبیعی استفاده می کنند. و گاهی اوقات هم از نیروهای شیطانی استفاده می شود. مثل همین عرفان حلقه، اینها کلاً در این فازند. یعنی اهل این که بخواهند از قوای نفسانی استفاده کنند، نیستند.

کیهان فرهنگی: به طور کلی آیا می توان از این جریانات

تقسیم بندی و سنخ شناسی مشخصی ارائه کرد و این که برای این جریانات چه شاخصه های مشترکی می توان متصور بود و مهمترین جریان مربوط به آن در ایران چیست؟

حجت الاسلام مظاهری سیف: ارتباط اینها با هم یک مقدار محتوایی است. محتواها خیلی دارد به هم شبیه می شود. این موارد و تشابه بسیاری از آنها در «کابالای» مدرن است. عرفان یهود یک دوره کلاسیک داشت با یک اصولی، یک بخش از آن اصول، الآن تغییر کرده است و این کابالای جدید راه افتاده است و مبانی جدیدی مطرح کرده که کابالا کاملاً فضاپیش عوض شده است. این فضای جدیدی که در عرفان یهود به وجود آمده است الآن عملاً در بسیاری از عرفان های نوظهور قابل مشاهده است؛ چه داخلی هایش، چه خارجی هایش. یعنی شما این شاخصه های مشترک را در همه این عرفان ها از جنس گروه رام... و پیمان فتاحی تا افکار پائولو کوئیلو و اشو می بینید.

همه اینها مشترکاتی را با هم دارند. این قابل توجه است. بعضاً می بینیم شکل کار تشکیلاتی اینها

دارد با این تفاوت کم کم همراه می شود. آن هم این است که به جای عبادت و ریاضت و زهد و اینها، فقط روی شعارها و یک سری اصول اخلاقی دارند تکیه می کنند. همه همدیگر را دوست داشته باشند، همه به هم احترام بگذارند، همه ادیان حق اند... می شود اینها را فهرست کرد. ۷-۸ محور است که اینها رویش تاکید دارند. طبیعت را دوست داشته باشیم و احترام به محیط زیست و... این مطلب الآن دارد به وجود می آید و ما می بینیم بعضی از این جریانات صوفی سنتی هم دارند آرام آرام تغییر هویت می دهند. یعنی شما می بینید آدم درویش مسلکی با ظاهری که مثلاً ریشی می گذاشت و کشکولی و عبایی و...، اینها را گذاشته کنار و سیل ها را هم تراشیده، دارد حرف از پلورالیزم و روح جهانی می زند و می گوید بیاید همه جهانی شویم و یک دنیای متفاوتی بسازیم و همدیگر را دوست داشته باشیم و صلح جهانی و از این حرف ها... دارند می زنند. این ویژگی این عرفان جدید است، که عمده اخلاقی و قابل تحلیل است. این شعارها کارکردهایی دارد برای نظام سرمایه داری و در شرایط امروز جهانی قابل بررسی است که چه فایده ای دارد.

یک بحثی که در باره عرفان های نوظهور و حقانیت آنها مطرح است رابطه بین تأثیرات غیرمادی مانند انرژی درمانی و علاج بیماری ها با حقانیت این جریان ها است؛ که تا چه اندازه می تواند این آثار عملی، ملاک حقانیت این جریان ها باشد؟

حجت الاسلام مظاهری سیف: ببینید برای اثرگذاری راههای مختلفی وجود دارد. الآن یک نفر می رود ورزش می کند تا قوی بشود و وزنه ۲۰۰ کیلویی بالای سرش ببرد. خوب این آیا آدم خوبی است؟ آیا پیغمبر است؟ آیا قدیس است؟ آیا عارف است؟

خیر، هیچ کدام از اینها نیست. او وزنه برداری رفته و قدرتش را پیدا کرده است. یک نفر دیگر می تواند برود علم پیدا کند بعد یک دستگاهی بسازد که یک حرکت خارق العاده ای دیگری با آن بکند. آسمان ها را می تواند رصد کند و جو بالا را بسنجد و بگوید یک هفته دیگر باران می آید. خوب، آیا این قدیس است؟ آیا به او الهام شده؟ نه! این یک راهی را رفته به یک نتیجه ای رسیده است. یکی می آید دیگری را با روش تلقین درمان می کند. آیا این مسیح است؟ چنین شخصی بخواهد خودش را تشبیه کند به مسیح^(۱)، اشتباه می کند. چرا که حضرت مسیح^(ع) با تلقین، درمان نمی کرد. او معجزه می کرد. یک اتفاقی می افتد که یک کسی کاری می کند که ما نمی فهمیم چه کار کرد، دلیل بر حقانیت نیست. معیارهای انسان کامل، معنویت و رشد یافتگی است و از دیدگاه قرآن و روایات مشخص است و قابل دفاع هم هست. اگر کسی به آن معیارها نزدیک شود این حق است حالا حتی اگر هیچ کار خارق العاده ای هم انجام ندهد. شما مگر از برخی اولیای خدا، کار خارق العاده ای شنیده اید؟ مهم این است که شما اوصافی از او شنیده

جریان مقابل اهل بیت به هر دوی این ولایت ها و مقام ها طمع کردند. اول آن ولایت سیاسی اجتماعی را خواستند غصب کنند که کردند، بعد دیدند این طور که مشکل حل نمی شود، زیرا آنها هنوز در قلب ها جا دارند و هنوز مردم به اینها توجه دارند. برای آن هم نقشه کشیدند که اگر نمی توانند به یک چنین سطحی دست پیدا کنند حداقل بتوانند رقیبی برای این قدرت علمی و معنوی ایجاد کنند.

از قدیم تا حال - که جزو مشترکات بین کابالای کلاسیک و کابالای مدرن است و الآن در عرفان حلقه هم این را می‌بینیم لذا من می‌توانم بگویم در عرفان حلقه خیلی از عرفان یهود استفاده شده، با این که ما می‌بینیم یک تقاطعی از همه عرفان‌هاست. مثلاً حرف‌هایی از عرفان بودایی هم در آن هست و از عرفان اسلامی هم یک چیزهایی اقتباس کرده و آنها را تحریف شده به کار برده اند. اما در مورد عرفان یهود صریحاً عین عبارت‌های کابالای مدرن را در کتب و منابع خود مطرح می‌کنند.

کیهان فرهنگی: دلیل رشد بیش از حد عرفان حلقه نسبت به سایر عرفان‌های نوظهور چیست و دلایل موجه شدن این عرفان در میان مخاطبان خود چه بوده است؟

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: چند تا محور مهم باید مورد بحث قرار گیرد، یکی این که، اینها روی دردهای مردم دست گذاشتند و در بحث درمان گری، خب مردم جذب می‌شوند. همه بالاخره در دوروبرشان مشکلاتی را دارند. دوم این که، اینها دوره ها را خیلی خلاصه و کوتاه کردند و هر کس می‌رود ۸ ترم می‌گذرانند هر ترم ۶ جلسه می‌شود استاد عرفان. با مدت کوتاهی در چند ماه به قله‌های عرفان می‌رسد! سوم این که، خیلی ساده کردند. مثلاً این که شما نه می‌خواهید تزکیه نفس کنید، نه می‌خواهید تقوا داشته باشید، نه می‌خواهید کارهای بد را کنار بگذارید، هر جا هستی می‌توانی عارف شوی، فقط کافی است متصل شوی به انرژی کیهانی عالم. چهارم، استفاده گسترده از رسانه هاست. به نام آقای طاهری در روزنامه ها و مجلات متعددی مقالاتی منتشر می‌شود در رادیو بارها و بارها با ایشان مصاحبه کردند. به عنوان استاد عرفان و کارشناس ادبی از ایشان دعوت شد و صحبت کردند. در تلویزیون چندین بار اسم ایشان مطرح شده است. عرفان کیهانی به مناسبت‌های مختلف مطرح شده است. مثلاً در برنامه‌هایی مثل به خانه برمی‌گردیم کارشناسی می‌آورند که ایشان از مریدان آقای طاهری بوده است و شروع می‌کند از آقای طاهری تعریف کردن. فیلم‌هایش موجود است. حتی عکس او را نشان دادند به عنوان کسی که مدرک دکترای افتخاری گرفته است. از همه مهمتر آقای منصوری لاریجانی را به عنوان بنیانگذار این جریان در تدوین اساسنامه دخالت داشته است. و همچنین در نامگذاری فرقه که متأسفانه ایشان رسماً در تلویزیون صاحب کرسی است. در شبکه ۴ و سایر شبکه ها به عنوان کارشناس مذهبی می‌آید و خیلی اعتماد به وجود می‌آورد این موضوع یعنی حضور بالای اینها در رسانه ها که دائم حضور دارند و این حضور پررنگ

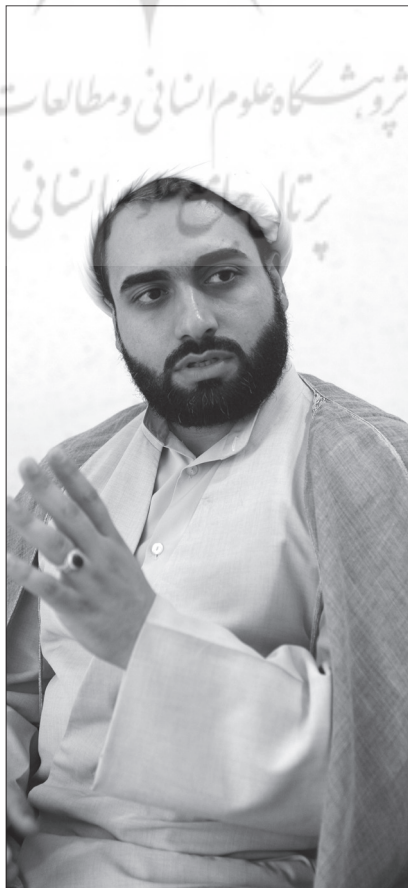
خیلی شبیه هم است. حلقه سبزی ایجاد می‌کنند، و شیوه‌های تبلیغاتی خیلی مشابه هم دارند.

کیهان فرهنگی: غیر از بحث محتوایی در بحث کارکردی شان هم، آیا با هم مشترکاتی دارند؟ مثلاً فرض کنید یکی از وجوه اشتراکشان نگاه سکولاریستی آنها به معنویت و کنار گذاشتن شریعت است. این آیا باعث می‌شود که یک کارکرد واحد پیدا کنند؟

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: بله وقتی محتواها به هم نزدیک شود نتایج هم مشابه می‌شود. مثلاً فرض کنید در جریانی که می‌آید به جای معرفت به خدا عشق به طبیعت و جهان هستی و اینها را مطرح می‌کند. این به طور طبیعی در انسان یک حس آرامش به وجود می‌آورد. آن هماهنگی با طبیعت و این که من درخت و زمین و آسمان ها را و اینها را بخشی از وجود خودم بدانم و به آنها عشق بورزم. یک سطحی از آرامش در من به وجود می‌آید یا نوعی از مدیتیشن (روش‌های آرامش بخشی) را در همه اینها می‌بینیم. که این هم می‌تواند سطح اضطراب‌های ذهنی را کاهش و آرامش و شادمانی را به دنبال بیاورد. لذا محتواهاست که مشابه می‌شود. نتایج هم به طور طبیعی به هم شبیه می‌شوند. در کارکردها و دستاوردهایی که دارد.

کیهان فرهنگی: مهمترین جریان‌ها در حال حاضر کدامند؟

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: در کشور ما در حال حاضر، عرفان حلقه یا عرفان کیهانی است که متأسفانه به صورت هر می‌خیلی گسترش پیدا کرده است. عرفان حلقه رسماً اصول کابالای مدرن را گرفته و در مباحث فکری خود مطرح کرده است. آن شاخص اصلی که کابالای مدرن را معرفی می‌کند در کابالای سنتی اصول آن مطرح بود که کسانی می‌توانند در این مسیر عرفان حرکت کنند که اولاً یهودی باشند، ثانیاً مرد باشند، ۴۰ سال به بالا داشته باشند، عالم یهودی باشند، یعنی باید متون یهودی و آثار آنها را بلد باشند و یک سری از این دست اصول. بعد در کابالای مدرن با این شروع کردند که سن، جنسیت، سواد و معلومات، دین و مذهب برای رفتن به سمت عرفان، اصلاً مهم نیست که این دقیقاً یکی از اصول عرفان حلقه همین است. در کتاب «عرفان کیهانی» عین همین مطلب آمده است. یا این که در عرفان یهود بحث درمان گری خیلی تاکید می‌شود. یعنی همین الآن اگر شما در اینترنت جست و جو کنید آب کابالا می‌آید و قیمت‌های گرانی هم دارد و مثلاً یک آبی را می‌فروشند برای درمان گری. حالا این با پزشکی کنونی ارتباط دارد یا نه قابل بررسی است. ولی موضوع درمان گری یک موضوع اساسی بوده است در عرفان -



فرمودید چقدر ادبیات عرفانی ما دخیل بوده است؟ مثلاً ما ادبیات عرفانی بزرگانی مثل عطار، مولوی و... را داریم که رگه‌های زیادی از این نگاه در آنها دیده می‌شود، اینها چقدر دخیل اند در این امر و این که چرا در حال حاضر هم که ما حرف از مباحث عرفان می‌زنیم باز هم مستند می‌کنیم به یک چنین پشتوانه‌هایی؟

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: یک نکته‌ای وجود دارد و آن هم این که فضای شعر، فضای تخیل، فضای تشبیه و استعاره و اغراق و استفاده از متضادها و اینهاست. که نمی‌تواند مبنای فکری ما باشد. ببینید ادبیات شاعران، ادبیات استعاره‌ای است. که من قسم خوردم ترک «می» کنم دیگر ولی قسمم را خواهم شکست. که اینها با معنای ظاهری‌اش متفاوت است. البته، اشکالات زیادی هم ممکن است در آنها وجود داشته باشد و اینها نباید مبنای فکری در معرفت قرار گیرد.

کیهان فرهنگی: بحث مهدویت یا عام‌تر، منجی در عرفان‌های نوظهور غیراسلامی هم مطرح است. این مهدویت چه جایگاهی دارد در اینها. دلیل استفاده از آن چیست؟ آیا استفاده ابزاری از آنها شده است؟

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: یکی از مسائلی که در اینجا وجود دارد این است که همیشه افراد در شرایط بسیار سخت به سمت عرفان می‌روند همانطور که در شرایط بسیار سخت به سمت منجی می‌روند. و در جست و جوی نجات دهنده هستند. لذا همیشه این دو تا به هم پیوند خورده اند. ما این را بخصوص در تاریخ عرفان یهود می‌بینیم. یعنی عرفان یهود نقاط اوجش دوران‌هایی است که بنی اسرائیل و یهودیان در شرایط سختی قرار گرفته‌اند؛ یعنی در قرن ۱۶ و در دوره‌های دیگر همان موقع‌ها بوده که عرفانشان اوج گرفته است. الان هم در جامعه ما و در دنیا هم همین اتفاق دارد می‌افتد. بحران‌های اخلاقی، اجتماعی، محیط زیستی، انواع و اقسام فشارهای روانی و اجتماعی که الان دارد برای مردم به وجود می‌آید. حتی شدت بیماری‌ها و... اینها باعث شده است که مردم به یک اضطرار نزدیک شوند، یک رنجی را دارند احساس می‌کنند که آرزوی این را دارند که یک منجی از راه برسد و آنها را از رنج نجات داده و خارج کند.

لذا در این شرایط است که متوجه مسایل معنوی می‌شوند. همین رنج و همین فضای غیرقابل تحملی که در آن هستند باعث می‌شود که به منجی فکر کنند. من می‌خواهم بگویم که روی آوری به منجی و انتظار منجی و از آن طرف رفتن به سمت معنویت و عرفان خیلی با هم گره خورده‌اند. الان در دنیا ما می‌بینیم عمده مدعیانی که وجود دارند یا می‌گویند ما مسیح هستیم که آمده ایم دنیا را نجات دهیم یا می‌گویند ما بودا هستیم که آمده ایم دنیا را نجات دهیم، یا می‌گویند من امام زمان هستم که آمده ام دنیا را نجات دهم و همه همینطورند. شما اگر بروید

اعتماد به وجود می‌آورد، ممکن است یک نفر بررسی و تحقیق هم نکند ولی می‌گوید خب من که آقای منصور لاریجانی را همیشه در تلویزیون می‌بینم. آقای طاهری هم که گاهی اوقات می‌آید و صحبتش را می‌کند، در روزنامه‌های مختلف هم می‌بینیم مطالبی از او می‌نویسند، حتماً این آدم راستگو و آدم خوبی است و دارد حرف حساب می‌زند. در رادیو هم، گاهی صدایش را می‌شنوند و اینها خودش تأثیر خیلی زیادی روی مخاطبان گذاشته است.

کیهان فرهنگی: رابطه عرفان با شریعت و مناسک شرعی که هم در عرفان سنتی مورد بحث قرار می‌گیرد و هم معنویت‌های جدید، این بحث را چگونه تحلیل می‌فرمایید؟

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: یک دروغ بزرگی که در دنیای تصوف اتفاق افتاده است و الان عرفان‌های جدید این دروغ بزرگ را تکرار می‌کنند این مطلب است که «دنیای عرفان، ماورای دنیای تکلیف است» کسی که به عرفان برسد تکالیف شریعت از او ساقط می‌شود و... این بزرگترین دروغی است که در عرفان‌های کاذب گفته شده است. من فکر نمی‌کنم از این بزرگتر خطا و دروغی وجود داشته باشد. چرا که فضای عرفان واقعی فضای تکلیف است. به بیان دیگر، کسی که وارد فضای عرفانی می‌شود آن معرفت اصیل توحیدی را درباره خدا تجربه می‌کند و در واقع وارد فضای تکلیف می‌شود. اصلاً همه زندگی‌اش می‌شود تکلیفی که نسبت به معبودش دارد. چنین شخصی اصلاً حاضر نیست کاری غیر از آن تکالیفش انجام دهد. چنین افرادی حتی آب هم که می‌خورند یک جوری به رضای خدا ربطش می‌دهند. نمی‌توانند برای غیر خدا عمل کنند و کاری انجام دهند. بنابراین، فضای عرفان، فضای تکلیف است، تجربه عشق ورود به عالم وظیفه و تکلیف شرعی است.

لذا، شما می‌بینید افراد وقتی سیر و سلوک می‌کنند، هر چه می‌روند جلوتر، تقیدشان به انجام مستحبات و ترک محرمات بیشتر و بیشتر می‌شود. به حرکات و اذکار و به ساعات اعمال، دقیق می‌شوند و کار به جایی می‌رسد که در قله عرفان که رسول اکرم (ص) است می‌بینید اساساً دایره واجبات و تکالیف شرعی ایشان بزرگ‌تر از دایره واجبات ماست. مصداق بارز آن در نماز شب است. نماز شب بر هیچ مسلمانی واجب نیست غیر از رسول الله (ص). به خاطر این که، او عشقی را تجربه کرده است و به افقی از معرفت دست پیدا کرده است که آن جا ۱۷ رکعت نماز، او را آرام نمی‌کند. او باید ۱۱ رکعت هم بیشتر بخواند و همان واجبش هم باید بیشتر شود. لذا، دنیای عرفان دنیای تکلیف است؛ یعنی کسی که واقعا مقامات عرفانی را چشیده باشد و در آنها قدم گذاشته باشد و این عشق به کام دلش ریخته شده باشد متوجه می‌شود که وظیفه و عشق و عرفان به هم گره خورده، و از یکدیگر تفکیک ناپذیرند.

کیهان فرهنگی: در این بحثی که

**فضای عرفان واقعی
فضای تکلیف است. به
بیان دیگر، کسی که وارد
فضای عرفانی می‌شود آن
معرفت اصیل توحیدی
را درباره خدا تجربه
می‌کند و در واقع وارد
فضای تکلیف می‌شود.
اصلاً همه زندگی‌اش
می‌شود تکلیفی که نسبت
به معبودش دارد. چنین
شخصی اصلاً حاضر نیست
کاری غیر از آن تکالیفش
انجام دهد.**

اسمشان را گذاشتند فرزندان خدا. خب، این هم عدم پابندی به آن توصیه‌ها و آن اصول مسیحیت سنتی است.

لذا اینها واقعاً جنبش‌های جدیدی هستند که دارند غیرمسیحیان را همانطور که مسیحیان را مخاطب قرار می‌دهند مخاطب خودشان تصور می‌کنند و آنها را هم دعوت می‌کنند.

گاهی اوقات هم اصرار ندارند کسی مسیحی شود. می‌گویند همین تعالیم را ببینید شما عمل کنید. مثل این که بگویند تو بودایی نشو ولی بیا بنشین، مدیتیشن کن. به این چهارحقیقت بودایی هم، اعتقاد داشته باش. می‌خواهی هم اعتقاد نداشته باش ولی اینها وجود دارد، برای شما توضیح می‌دهند. شما قبول می‌کنی این ۴ تا هست. جهان بینی ات را بودایی می‌کنند، اعمالت را هم بودایی می‌کنند، بعد می‌گویند تو مسلمانی، هر دینی می‌خواهی داشته باش. این معنویت‌های غیر ایدئولوژیک وجود دارد. البته، این می‌تواند راه ورودی برای افراد به یک دین باشد که اول غیر ایدئولوژیک دین را می‌پذیرد، بعد ایدئولوژیک هم به طور کامل می‌پذیرد و می‌گوید من بودایی یا مسیحی ام.

الآن در ترکیه هم مسلمانان یک دوره‌ای را برگزار می‌کنند با عنوان مسلمان یک ماهه. البته یک هفته، ۱۰ روز بیشتر نیست ولی عملاً کسی که مسلمان نیست می‌آید نماز می‌خواند، روزه می‌گیرد، مسجد می‌رود... و همه این کارها را انجام می‌دهد و سعی می‌کند حس مسلمانی را تجربه کند.

کیهان فرهنگی: قدرت و گستردگی نفوذ مسیحیت در داخل کشور چقدر است؟

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: در داخل کشور درحال حاضر خیلی فعالیت دارند. بخصوص در استان‌های شمالی، خیلی زیادت از جاهای دیگر دارند فعالیت می‌کنند.

کیهان فرهنگی: چند فرقه از آنها در ایران مطرح است و بیشتر فعالیت دارند؟

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: فرقه‌هایشان خیلی زیاد است. آنهايي که الآن مطرح هستند به سبک کلیسای خانگی دارند خیلی فعالیت می‌کنند. یک فرقه‌شان در استان گیلان است که می‌دانم که زیاد فعالیت می‌کنند. فرقه «شاهدان یهوه» که عملاً در تهران در خانه‌ها را می‌زنند، جلوی جوانان را می‌گیرند با آنها صحبت می‌کنند. انجیل به آنها هدیه می‌دهند. اینها فعالیت‌شان زیاد است.

کیهان فرهنگی: آیا این فرقه مسیحی با جریانات کابالیستی ارتباط دارند؟

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: ببینید این ارتباط شاخص مشترک در همه اینهاست. حال اگر بخواهیم این بحث را باز کنیم طولانی می‌شود ولی این جنبش‌های مسیحی و این جنبش‌هایی که در فضای اسلام دارد اتفاق می‌افتد، حتی تحرکات بودایی‌ها و هندوها همه با رویکرد عرفانی و معنوی عمدتاً تحت تأثیر آموزه‌های کابالاست و قابل توضیح هم هست هم از لحاظ محتوایی و هم از جهت کارکردی.

کیهان فرهنگی: با تشکر از این که وقتتان را در اختیار ما گذاشتید.

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: من هم متشکرم موفق باشید.

به کشورهای چین و هند و کشورهای شرق آسیا و جنوب شرقی، ما بوداهای بسیاری در آنجا داریم. الآن لی هنگجی می‌گوید من بودا هستم و آمده ام دنیا را نجات دهم. چنان که اوشو هم می‌گفت من بودا هستم و دیگران هم می‌گویند ما بوداییم، آمده ایم دنیا را نجات دهیم. خیلی این موضوع تکرار می‌شود. در کشورهای غربی، کلی مسیح داریم. این جا هم، که کلی امام زمان داریم. بنابراین، این دو مقوله را نمی‌توان از هم جدا کرد.

کیهان فرهنگی: نگاه‌های آخرالزمانی را چگونه و بر کدام مبانی می‌توان تقسیم بندی کرد؟

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: اگر بخواهیم عرفان‌ها را از زاویه دید رویکرد منجی‌گرایانه تقسیم بندی کنیم من تا حالا تأملی نداشته ام اما با نگاه گذرا می‌توان گفت افرادی را داریم که کلاً در چارچوب دین دارند دعوت را انجام می‌دهند و تغییراتی را در دین به وجود می‌آورند. نماز را عوض می‌کنند، می‌گویند دیگر نمی‌خواهد شما روزه بگیرید، شب قدر مثلاً شب دهم محرم است، اصلاً همه چیز را دارند زیر و رو می‌کنند. این عده دارند در چارچوب دین حرکت می‌کنند و فقط یک ادعایی دارند. بعضی‌ها هم هستند که اصلاً ادعا را خودش مطرح نمی‌کند یک جور حرف می‌زند که ادعا را طرف مقابل اگر عاقل است می‌فهمد که مثلاً این فرد امام زمان است. مثلاً آقای علی یعقوبی می‌گوید عالم ۸ طبقه است دیگر اولیاءالله تا طبقه دوم - سوم بیشتر نرفته اند و من هم هرچه می‌بینم می‌گویم و بلافاصله شروع می‌کند از طبقه هشتم صحبت کردن. بعد می‌گوید آن جا هم فقط امام زمان و اهل بیت هستند و من هم هرچه می‌بینم دارم می‌گویم و از طبقه هفتم - هشتم توصیف ارائه می‌دهد. خب اگر طرف عاقل باشد می‌گوید این نایب برحق امام زمان است و خلاصه یک چیزی هست. بعضی هم اصلاً ادعا نمی‌کنند یعنی باز یک دسته بندی دیگر می‌شود. بعضی‌ها خودشان ادعا نمی‌کنند فضا و گفتارشان به صورتی است که قرائتی به دست مخاطب می‌دهد که آنها جسد بزنند این آقا یا خانم، امام زمان است. بعضی‌ها هستند که کاملاً در چارچوب دین‌اند، این یک دسته‌بندی دیگر است. برخی هم شروع می‌کنند به تغییر و تحول در دین ایجاد کردن. یعنی امام زمان با اختیارات حد اکثری، بعضی‌ها محدودتر است اختیاراتشان. حالا یک دسته بندی سیاسی و فرهنگی هم می‌تواند مطرح باشد.

کیهان فرهنگی: آیا می‌توان جریانات تیشیری مسیحیت را در معنویت‌های نوظهور دسته بندی کرد و این که این جریان‌ها در حال حاضر در چه جایگاه و موقعیتی قرار دارند؟

حجت‌الاسلام مظاهری سیف: بله بسیاری از این تحرکات جدید مسیحی حرکت‌های جدید معنویت‌گرایانه هستند. به نظر می‌رسد حتی به آن اصول مسیحیت سنتی هم پایبند نیستند. حالا این پایبند نبودنشان گاهی خوب است مثل فرقه شاهدان یهوه که مثلاً مسیح را خدا نمی‌دانند.

ولی خب بعضی وقتها این پایبند نبودنشان هم خوب نیست. مثلاً این فرقه فرزندان خدا، رابطه جنسی را حتی در فضای خانوادگی و محارم توصیه می‌کنند این فرقه ابتدا اسمشان لشگریان خدا بود، سپس